

تهران را گران تر نکنید!

صادق فرامرزی: پروسه انتخاب شهردار پایتخت آفکنده به درازا کشیده شد تا سرانجام بتوانیم انتخاب شهردار را فارغ از کیستی وی به عنوان خبری خوب برای تهران تفسیر و تلقی کنیم. «عدم ثبات در مدیریت شهری»، «حاکم شدن دم و بازدم‌های جناحی در تصمیم‌گیری‌ها»، «غلبه حواشی بر متن مدیریت شهری»، «رکود حاکم بر پروژه‌های عمرانی شهر»، «بی‌رنامگی شورای پنجم» و... همگی موجب شد یک و نیم سال اخیر را جزو بدترین سال‌های تجربه شده در پایتخت کشورمان بدانیم.

در میانه این شرایط آنچه طبیعی جلوه می‌کند آن است که انتخاب یک شهردار جدید و امید به ماندگاری وی حداقل تا پایان دوره شش‌ساله پنجم را به خودی خود اتفاقی میمون و مبارک بدانیم.

انتخاب «پیروز حناچی» در رقابت با تنها کاندیدای باقیمانده شورا یعنی «عباس آخوندی» تفسیرها و تحلیل‌های مختلفی را برانگیخت که مجال بازخوانی همگی آنها فراهم نیست اما آنچه در این میان حکم یک مرکز ثقل را در جریان اثرگذاری ایفا می‌کند، رویکرد کلی شهردار جدید پیرامون گران کردن زندگی در تهران به عنوان پایتخت و بزرگ‌ترین شهر کشورمان است.

از جهات مختلف و از همان زمان که ارگان حزب «کارگزاران سازندگی» با «فینال لیبرال‌ها» خواندن رقابت آخوندی و حناچی، حداقلی بودن اختلافات حاکم بین ۲ کاندیدا در رویکرد مدیریتی شهر را هویدا کرد، تقریباً و به شکلی غیرقابل انکار بازگشت رویکرد «تبدیل تهران به شهری لوکس» برای همگان روشن و محرز شد و تمام این فرضیه نیازمند یک تأیید ضمنی از جانب شهردار جدید بود که آن هم با سخنرانی اخیر وی محقق شد. فارغ از همه اما و اگرها چرا «لیبرال‌ها» از گران کردن پایتخت استقبال می‌کنند و دهه‌های متمادی آن را راهکار انحصاری پیشرفت تهران فرض می‌کنند؟ چرا در شهری که بیشترین سطح نابرابری میان شمال و جنوب آن موجود است راهکار ایجابی یک مدیر باید جنبه‌های سلبی داشته باشد؟ چرا باید خدمات عمومی رایگان یا حداقل ارزان‌قیمت از مهم‌ترین موانع توسعه یک شهر محسوب شود؟ تأکید بیش از حد بر واگذاری حداکثری امور عمومی به بخش خصوصی ناشی از چه نوع مصلحت‌سنجی است؟

پاسخ این سوالات و انبوهی از سوالات از این دست را می‌توان به عنوان نقشه‌ای برای یافتن چسبه سیاه در شناخت فضای مدیریتی جریان حاکم بر شهر تهران بدانیم. نخستین مسأله حیاتی که ما را در رسیدن به پاسخ سوالات فوق رهنمون می‌کند نحوه نگرش حناچی و هم‌قطاران وی به جریان توسعه در معنای اعم کلمه است. تعریف توسعه به عنوان عاملی تک‌بعدی که تنها از طریق حاکم کردن معادلات بازار بر تمام امور میسر می‌شود، باعث شده همواره منفعت عمومی جامعه برای خدمت‌رسانی فاقد اولویت یا حداقل در اولویت‌های چندم لحاظ شود.

نوع مواجهه وزیر سابق راه و شهرسازی و رقیب هم‌جریان حناچی برای کسب کرسی شهرداری تهران در مواردی همچون افزایش نجومی بهای بلیت هواپیما، بی‌اعتنایی به تکمیل مسکن اجتماعی (مهر)، شناور کردن قیمت‌ها بسته به تقاضای زمانی و... بخوبی گواهی بر آن است که با عینک مدیریت لیبرالی، رسیدن به مقصد توسعه جز از طریق بازتعریف منافع عمومی شهروندان بر اساس منافع بازار آزاد محقق نمی‌شود.

بر این اساس، گران کردن شهر برای مدیریت بهتر آن و به حداقل رساندن وظیفه شهرداری در رفع نیازهای مورد تقاضای شهروندان موجب شکل و قوام یافتن مسیر خودکار توسعه خواهد شد. به بیان ساده‌تر گران‌سازی زندگی در پایتخت و مرتبط کردن حیطه وظایف شهرداری به خود شهروندان، پول‌سازی امکانات عمومی، واگذاری امکانات عمومی شهر به بخش خصوصی و... همگی تأکید بر این مسأله دارد که تبدیل کردن زندگی در تهران به یک مزیت خاص که تجربه کردن آن نیازمند خرج رقم بالایی است باعث رشدی همه‌جانبه خواهد شد.

تقلیل مسیر دسترسی توسعه به بازاری و تجاری کردن منطق اداره شهر و حواله دادن راهکارهای به شرایط ثانویه‌ای که تبعات رسیدن به آن خود موجب به خطر افتادن زندگی شهری میلیون‌ها نفرها می‌شود، نتایج غیرقابل انکاری را رقم خواهد زد. هرچند در این میان از نقش برنامه‌های توسعه در شکل دادن به یک توسعه متوازن در سطح کشور نمی‌توان گذشت اما تکرار تجربه دهه ۷۰ در توسعه گران‌قیمت شهری تنها به یک شکاف ملی و گسترده شدن تضاد میان حاشیه و مرکز منتهی خواهد شد.

شاید این را بتوان از مهم‌ترین ویژگی‌های عرفی مدیریت اجرایی در کشورمان دانست که همه منتخبان در ابتدای کار و نخستین نطق‌های دوره مدیریتی‌شان سعی می‌کنند با نشان دادن چهره‌ای متفلسف از آنچه منتقدان از آنها تصویر کرده‌اند، به گونه‌ای سخن بگویند که شبهات موجود نسبت به آینده مدیریتی‌شان تا حد زیادی کمرنگ شود. انتخاب «پیروز حناچی» به‌عنوان سومین شهردار شورای پنجم شهر تهران و فضای ایجاد شده پیرامون عدم ثبات در مدیریت شهری پایتخت‌آذهان عمومی را به آن سمت هدایت کرده بود که آغاز به کار شهردار جدید نیز بر این مدار خواهد گذشت و او ماه‌های نخستین مدیریت خود را با کمترین حد ممکن از حاشیه خواهد گذراند اما نخستین نطق رسمی حناچی غالب پیش‌بینی‌ها را به هم ریخت و همگان شاهد تأیید ضمنی آینده‌متصور شده شهری تهران از زبان شهردار تازه از راه رسیده بودند.

تهران گران، بزرگراه‌ها گران‌تر!

تهران باید از نظر مدرن بودن تبدیل به شهری شود که هرکس زیر ۵۰۰ هزار تومان درآمد دارد تهران را ترک کند، چون نمی‌تواند هزینه‌های چنین شهری را پرداخت کند. این عبارت را شاید بتوان یکی از مشهورترین و صریح‌ترین سخنان منسوب به غلامحسین کرباسچی، شهردار کارگزارانی تهران در دهه ۷۰ دانست. باور به تبدیل کردن تهران به کالایی لوکس که هرکس توانایی دستیابی به آن را نداشته باشد، یکی از محوری‌ترین الگوهای توسعه شهردار وقت تهران محسوب می‌شد. گذشت ۴ دهه از پایان مدیریت کرباسچی بر تهران اما باعث به حاشیه رفتن سخنان و مواضع وی نشد تا در فروردین ۹۶ این سیدحسین هاشمی، استاندار وقت تهران باشد که در جواب سوالاتی پیرامون نحوه مدیریت جمعیتی تهران در سایه امواج مهاجرتی، به ایده گران‌سازی شهر برای کاهش پیدا کردن مهاجرت‌ها سخن بگوید: «همان ایجاد ممنوعیت برای مهاجرت به تهران سخت است و باید همچون سایر کشورهای پیشرفته، هزینه زندگی در شهرهای بزرگ را بالا برد و از وارد جمعیت کم کرد.» منطق «شهر را گران کن تا متقاضی کمتر شود» اما منطقی متوقف شدنی نبود و با روی کارآمدن شورای اصلاح‌طلب پنجم

انتظارها از غلبه یافتن این منطق شکلی مضاعف به خود گرفت. آغاز و پایان کار ۲ سرپرست و ۲ شهردار در بازه زمانی ۱۴ ماهه و گرفتار شدن پایتخت به بحران ثبات مدیریتی و تکثر گزیننده‌های بالقوه‌ای که هرچند ماه یکبار انتظار شهردار شدن‌شان می‌رفت باعث نشد گزیننده‌ها با دیدی متمایز از این منطق بر سر زبان‌ها بیاید. شکل‌گیری دوگانه «آخوندی- حناچی» و تجربه سیاه و تلخ آخوندی باعث شکل‌گیری یک موج منفی نسبت به روی کار آمدن وی شد و این فضای بیش از هرچیز به نفع حناچی تمام شد و سرانجام واکنش‌های منفی به آخوندی و اعلام مخالفت دولت با شهردار شدن او، راه را برای انتخاب حناچی هموار کرد تا سومین شهردار تهران با رای ناپلئونی و نزدیک خود به آخوندی راهی خیابان «بهشت» شود. پیروز حناچی

تحلیلی بر مهم‌ترین پیام‌های نخستین اظهارات شهردار جدید تهران

از «مدیریت جهادی» تا «مدیریت خارجی»



بخش ورزشی مربی خارجی به کشور می‌آوریم، در اقتصاد نیز نیازمند آوردن مدیران اقتصادی خارجی هستیم. هرچند انتظار می‌رود حناچی در روزهای آتی با بازتفسیر سخنان خود به تکذیبی ضمنی نسبت به رویکرد «واردات مدیر» رو آورد اما آنچه غیرقابل انکار است، دورخیز وی برای شناخته شدن در قامت مدیریتی وابسته به مدیران خارجی خواهد بود. در این میان بیراه نیست که مدل مدیریتی فعلی شهرداری جدید تهران را مدلی برای گذار از «مدیریت جهادی» به «مدیریت خارجی» بدانیم.

تهران در ایستگاه تجارت!

درست در روزهای اوج رقابت میان «عباس آخوندی» و «پیروز حناچی» بود که متمایل‌ترین روزنامه به منتخبان شورای شهر با تیتری رضایت‌آمیز خبر از «فینال لیبرال‌ها» و شکل گرفتن دوگانه‌ای با کمترین حد از اختلاف نظر در میان ۲ گزینه باقیمانده داد. آخوندی و حناچی فارغ از حداقلی‌ترین سطح اختلافات که آن هم بیشتر شامل تفاوت‌های شخصیتی و نه مدیریتی بود، برای پیروزی به میدان رفتند و در نهایت «پیروز» به پیروزی رسید و با کسب یک

جمعیت متقاضی برای سکونت در این شهر، گویای امتداد یافتن تفکر و منش موجود در نگاه کرباسچی، شهردار اسبق و حسینی، استاندار سابق تهران بود تا مشخص شود عمده‌ترین برنامه مدیریتی پیش رو نه توسعه متوازن شهری که سرکوب تقاضای زیست بر پایه توانایی مالی زندگی در پایتخت کشورمان است.

آگهی نیازمندی به مدیران خارجی

همه تیم‌های مدیریتی در سطح جهان بخش مهمی از توان خود را صرف تعریف کردن سبک و سیاق مدیریت‌شان حول عنوان و مفهومی خاص می‌کنند. تلاش شهردار اسبق تهران برای معرفی کردن سبک مدیریتی خود بر حول محور «مدیریت جهادی» باعث شد حتی مخالفان وی نیز نقدهای خود نسبت به آن شیوه را بر مدار نقد و بعضاً تمسخر شیوه جهادی تعریف کنند. شاید بتوان خبرسازترین بخش سخنان اخیر شهردار تهران را به پیشنهاد وی برای استفاده از مدیریت خارجی‌ها برای بهبود اوضاع تهران دانست. حناچی گفت: «در دوره حاضر خوشبختانه شورای شهر مقاومت زیادی کرده، این لازم هست اما کافی نیست. قدم‌های بعدی را باید برداریم و کار را به نتیجه برسانیم، برای این کار به بهترین متخصصان برای اداره امور شهر نیاز داریم، ما برای تیم‌های مربی خارجی می‌گیریم اما مگر شهرسازی از تیم‌های کمتر است؟ ما باید قبول کنیم که خیلی از تجربیات را نداریم.» مسأله نیازمندی کشور به مدیران خارجی البته سخنی آشنا در سال‌های اخیر محسوب می‌شود. ۳ سال پیش محمدرضا نعمت‌زاده وزیر صنعت، معدن و تجارت دولت یازدهم هم در این‌باره گفته بود: «من به برخی شرکت‌ها پیشنهاد واردات مدیران خارجی را داده‌ام که برخی از آنها نیز اقدام به این کار و از این شرایط استقبال کردند. هیچ اشکالی ندارد که برای حضور در بازارهای بین‌المللی از مدیران باتجربه خارجی و دانش آنها استفاده کنیم؛ همان‌طور که در

این کار فراهم شود.» با همه این اوصاف حناچی بیش از آخوندی بدسابقه برای شورای شهر رنگ داشت و او به کرسی شهرداری تهران تکیه زد تا در اولین موضع صریح خود بر تلاشش برای گران کردن زندگی در تهران سخن بگوید. حناچی هرچند حدی از درآمد برای داشتن شایستگی زندگی در تهران را معین نکرد اما با بیان اینکه «تقریباً در تمام کلاس‌های اروپایی شما هرچقدر به مرکز کلانشهر نزدیک می‌شوید هزینه‌های افزایش پیدا می‌کند و هرچقدر از مرکز کلانشهرها دور می‌شوید هزینه‌ها به شکل معناداری کاهش پیدا می‌کند، شما در مرکز لندن با هزار پوند می‌توانید یک خانه ۳۰ متری کرایه کنید اما اگر ۷۰ کیلومتر از آن منطقه دور شوید می‌توانید با همان رقم یک خانه ویلایی کرایه کنید» به در پیش گرفتن رویکردی طبقاتی برای سکونت در پایتخت مهر تأیید زد. تأیید ضمنی شهردار جدید بر گران‌سازی شهر تهران با نیت دور کردن

یک سال پیش و در قامت «معاون فنی و عمرانی شهرداری تهران» یکی از راهکارها برای درآمدزایی شهرداری را واگذاری اتوبان‌ها به بخش خصوصی دانسته و گفته بود: «احتمال دارد برخی بزرگراه‌های درون شهری تهران به بخش خصوصی فروخته شده و خودروها برای عبور از این بزرگراه‌ها، عوارض بپردازند. ما ناچاریم حتی خیلی کم به این سمت حرکت کنیم، با این روش، مکانیزم تأمین منابع مالی در شهر متفاوت می‌شود، با این روش، مسؤولان شهرداری دیگر گزارش نمی‌دهند پروژه‌های به‌خاطر مسائل مالی متوقف شده است. در این تصمیم‌گیری باید با سایر بخش‌ها هماهنگ شد و مسأله را باید به گروه تفکیک کرد؛ یک گروه بزرگراه‌های موجود در شهر تهران است و گروه دوم، بزرگراه‌هایی مانند شهید شوشتری است که در حال احداث است، درباره گروه دوم، به این سمت می‌رویم ولی درباره گروه اول بزرگراه‌های موجود در تهران، باید مقدمات

فینال لیبرال‌ها



تهران روی زمین مانده!

موجب آن شده تهران بیش از هر زمان دیگر «روی زمین مانده»ای محسوب شود که نیازمند احیا توسط شهردار جدید است.

انکار محسوب می‌شود، ماموریت سنگین وی در ۳ سال باقیمانده از عمر شش‌ساله شهرداری جدید است. تهران در یک سال اخیر و کند شدن روند پروژه‌ها

را برانگیخت. نحوه رای آوردن وی، سوابق پیشین و مواضع جنجالی‌اش در نخستین روزهای آغاز به کار بر شدت حساسیت‌ها افزود. در این میان آنچه غیر قابل

امین محبوبی: روی کار آمدن «پیروز حناچی» به‌عنوان سومین شهردار تهران، آن هم تنها یک سال و ۲ ماه بعد از آغاز به کار شورای پنجم، حساسیت‌های زیادی

نوسازی سیستم حمل‌ونقل عمومی

نوسازی حمل‌ونقل عمومی به‌عنوان تسهیل‌کننده رفت و آمد درون شهری که تأثیری مستقیم بر روند ترافیک و آلودگی هوا دارد از مهم‌ترین وظایف پیش روی شهردار تهران است. محسن پورسیداقایی، معاون حمل‌ونقل و ترافیک شهرداری تهران چندی پیش با بیان این مسأله گفته بود: «در تهران ۱۰ هزار دستگاه اتوبوس نیاز داریم در حالی که نزدیک به ۲ هزار دستگاه کم داریم، از طرفی بیش از ۲ هزار دستگاه باید جایگزین شوند، چون از رده خارج هستند.» وی در ادامه افزود: «به منظور رفع مشکل کمبود ناوگان اتوبوسرانی کمیسیون حمل‌ونقل و ترافیک کلانشهرها پیگیری کرده است که از سایر کشورهای اتوبوس‌هایی با عمر بالای ۵ سال خریداری شود.» این سخنان در حالی است که اگر این اتوبوس‌ها وارد شده و مورد بهره‌برداری نیز قرار گیرند با توجه به مصوبه سال ۹۰ هیات وزیران عمر مفید آنها بعد از ۳ سال منقضی خواهد شد و این یعنی پایان دوره شهرداری کنونی! این در خوشبینانه‌ترین حالت است که عمر اتوبوس‌های وارداتی ۵ سال باشد و اگر با توجه به اظهارات پورسیداقایی بیش از ۵ سال باشد، زودتر نیز عمر مفید آنها از بین خواهد رفت. بر همین مبنا در پیش گرفتن رویه‌ای بلندمدت برای اصلاح وضعیت حمل‌ونقل عمومی تهران را می‌توان از مهم‌ترین ماموریت‌های پیش روی حناچی دانست.



آلودگی هوا و فضای سبز

مسأله «آلودگی هوا» و فراگیر شدن این بحران حیاتی در جریان زیست شهری غالب شهروندان کلانشهرها و تأثیرات غیرقابل انکار آن از جمله مهم‌ترین مسائل پیش‌رویی است که در دهه‌های گذشته و به‌رغم پیگیری‌های متعددی که انجام شد هیچ‌گاه به نتیجه‌ای مطلوب منجر نشد. در این میان می‌توان به ایده «کمربند سبز تهران» که در دوره شهرداری محمدباقر قالیباف مورد تأکید قرار گرفت نیز اشاره کرد. پروژه‌های کمربند سبز در شهرها معمولاً با هدف ایجاد بادشکن و فیلتر طبیعی به‌منظور شن‌های روان، بادهای موسمی و ایجاد اکوسیستم طبیعی پیش‌بینی می‌شود. یکی از مهم‌ترین تأثیرات این پروژه‌ها توسعه فضاهای سبز شهری و تولید اکسیژن است. علاوه بر این، گیاهان با فرآیند تعریفی که انجام می‌دهند دمای محیط را تعدیل می‌کنند به‌طوری که پوشش‌های گیاهی قادرند در گرم‌ترین روزهای تابستان دمای محیط پیرامون خود را تا ۴ درجه سانتیگراد کاهش دهند و در عین حال ۵۰ درصد بر رطوبت هوا اضافه کنند. از دیگر تأثیرات عمده ایجاد فضای سبز جذب گرد و غبار است به‌طوری که یک هکتار فضای سبز شهری از نوع درختی و پوشش چمنی و بوته‌ای قادر است در هر نوبت بارندگی ۶۸ تن گردوغبار را جذب کند. رسیدن کمربند سبز پیرامون تهران به ۴۱ هزار هکتار هرچند به رونقی نسبی در فضای سبز تهران منجر شد اما تا رسیدن به ۱۷ متر فضای سبز سرانه که در برنامه دوم توسعه به آن تأکید شده بود فاصله وجود دارد.

